

میزگرد برگزار شده در خصوص حفاظت و توسعه در عرصه‌های تاریخی
مروری بر مجموعه اقدامات و سیاست‌های کنونی و پیش روی
شرکت بازاریابی شهری ایران

با حضور: دکتر ایزدی، دکتر پیران، دکتر حبیبی، دکتر حجت، دکتر طالبیان، مهندس هاشمی

حفاظت و توسعه در عرصه‌های تاریخی مروری بر مجموعه اقدامات و سیاست‌های کنونی و پیش‌روی شرکت بازآفرینی شهری ایران^۱

مقدمه

مطلب حاضر برگرفته از جلسات ۲۲ مهر و ۶ آبان ۱۳۹۳ شورای سیاست‌گذاری شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران با محور سیاست‌ها و برنامه‌های شرکت در باززنده‌سازی شهری عرصه‌های تاریخی است. در این جلسات، پس از مرور سوابق شرکت مادر و روند تحولات رویکردی، به بحث و تبادل نظر در این خصوص، بررسی موانع و مشکلات موجود و پیش‌رو، و نیز ارائه پیشنهادات تکمیلی به منظور بهینه‌سازی فرایند بازآفرینی شهری پرداخته شد.

موارد مطروحه در این جلسات را در واقع می‌توان پیشنهادات اعضای شورای سیاست‌گذاری شرکت در خصوص پایش رویکردهای موجود و همچنین تعیین خط‌مشی‌های کلان مربوط به جهت‌گیری‌های آتی شرکت به شمار آورد. در ادامه، مباحث محتوایی جلسات مذکور در دو بخش شامل مرور رویکردهای کلان حوزه بهسازی و نوسازی شهری، و میزگرد ارائه دیدگاه‌ها و پیشنهادات اعضا ارائه می‌شود.

مرور رویکردهای کلان حوزه بهسازی و نوسازی شهری در کشور

عمده‌ترین جریان‌های مواجهه و اقدام در عرصه‌های تاریخی شهرها در ادوار گذشته و مؤلفه‌های محوری هریک به قرار زیر قابل شناسایی است:

۱. پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷
 - تخریب و بازسازی‌های گسترده با هدف تغییر ساختار موجود و جایگزینی عناصر جدید
 - تکیه کامل بر بودجه عمومی دولت و بی‌توجهی به به نهادهای اجتماعی، ساکنان و مالکان
۲. پس از انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷
 - بهسازی موضعی محلات قدیمی در قالب طرح‌های روان‌بخشی
 - وابستگی به درآمدهای عمومی، ابعاد مشارکتی بسیار محدود و نگاه صرفاً کالبدی
 - عدم تعمیم به سراسر کشور
۳. حد فاصل سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲
 - تهیه طرح‌های تفصیلی ویژه مراکز تاریخی،

۱- شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران با مصوبه هیئت وزیران مورخ ۹۷/۲/۱۳ به شرکت بازآفرینی شهری ایران تغییر نام یافت.

به‌خصوص برای شهرهای آسیب‌دیده از جنگ، و سپس تهیه طرح محورهای فرهنگی - تاریخی - برنامه‌ریزی موضعی برای مراکز شهری به عنوان بخش مجزایی از پیکره شهر - تلاش در جهت بهسازی و نوسازی تدریجی به دست مردم

۴. حد فاصل سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶

- اتخاذ سیاست تجمیع به عنوان اصلی‌ترین رویکرد دولت در بهسازی و نوسازی بافت‌های شهری
- اجرای پروژه‌های کلان مقیاس پاک‌سازی و تجمیع با تأکید بر ابعاد کالبدی و با دخالت مستقیم دولت

۵. حد فاصل سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸

- تأسیس شرکت عمران و بهسازی شهری به عنوان نهادی سیاست‌گذار، برنامه‌ریز و ناظر بر تحقق برنامه‌های عمران و بهسازی به منظور دستیابی به توسعه موزون، متعادل و پایدار شهری
- تدوین سیاست توسعه درونی به منظور پاسخ‌گویی به چالش‌های بافت‌های ناکارآمد
- تدوین سیاست تشویق بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران به مشارکت در اجرای پروژه‌های نوسازی

- تعیین شاخص‌های شناسایی محدوده‌های نیازمند نوسازی شهری با عنوان بافت‌های فرسوده شهری در شورای عالی معماری و شهرسازی ایران
- توسعه مفاهیم مرتبط با توانمندسازی و سامان‌دهی اسکان غیررسمی

- تصویب سند ملی توانمندسازی در سال ۱۳۸۸ و راه‌اندازی ستاد ملی توانمندسازی

۶. حد فاصل سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲

- تمرکز بر مجموعه اقدامات نرم‌افزاری از طریق تعریف و تأمین بسته‌های حمایتی و تشویقی به منظور تسهیل حضور و مشارکت مردم

۷. از سال ۱۳۹۲ تاکنون

شروع این دوره را می‌توان آغاز آسیب‌شناسی و

بازنگری در مجموعه سیاست‌ها و اقدامات بهسازی و نوسازی شهری در کشور دانست. بر این اساس و با توجه به اهم چالش‌ها و مسائل شناسایی شده در این حوزه، دو اقدام اصلی در این دوره به اجرا درمی‌آید:

- تدوین و اصلاح سندی راهبردی با سطح پوشش تمامی محدوده‌های ناکارآمد شهری در مقیاس ملی و محلی (سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، ۱۳۹۳)

- تشکیل ستاد ملی بازآفرینی به عنوان نخستین نهاد فرابخشی و فراگیر در برنامه‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های ناکارآمد

میزگرد ارائه دیدگاه‌ها و پیشنهادات

بر مبنای موارد و موضوعات مرور شده در خصوص رویکردهای کلان حوزه بهسازی و نوسازی شهری در کشور و با توجه به تغییر رویکردها و اقدامات شرکت مادر در عرصه‌های تاریخی، پرسش‌های اصلی شرکت این گونه طرح شد که «آیا مجموعه برنامه‌ها و اقدامات شرکت مادر در مسیری درست جریان یافته است؟» و «مسائل و چالش‌های این مسیر چه هستند و برای به حداقل رساندن آن‌ها چه باید کرد؟» در ادامه، گزیده‌ای از نظرات و پیشنهادات مرتبط با این دو پرسش مهم ارائه می‌شود.

توانمندسازی: فرصت یا تهدید؟ اصول و الزامات

دکتر محمدسعید ایزدی^۱



در زمینه سیاست‌ها و برنامه‌های مورد عمل در حوزه عمران و بهسازی شهری، از جمله نکاتی که باید به

آن توجه کرد این است که آیا توانمند کردن مردم در امر نوسازی تهدید محسوب نمی‌شود، و آیا فرایندهای طی شده منجر به نوسازی با کیفیت مورد نظر انجام پذیرفته یا نه. مرور نوسازی‌هایی که در سال‌های گذشته انجام شده اندکی نگران‌کننده است.

۱- مدیرعامل وقت شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

ما عرصه‌هایی مثل بافت‌های تاریخی، مسکن غیررسمی و غیره را از هم تفکیک نکرده‌ایم. گاهی اوقات این اعداد (وام و مشوق) در بافت‌های تاریخی حکم تسهیل تخریب را دارند. لذا نمی‌توان به طور یکسان مبلغی برای متقاضیان دریافت تسهیلات در این عرصه‌ها تعیین کرد.

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای بهبود وضعیت بافت‌های ناکارآمد شهری باید بر مبنای یک نظام سیستماتیک با تأکید بر سنجش و مقایسه کیفی شهرها با یکدیگر و اولویت‌بندی با تکیه بر میزان مخاطرات عرصه‌های مختلف در شهر صورت پذیرد.

در مسیر تبیین این نظام سیستماتیک، لازم است نقش‌ها و وظایف در سه حوزه مشخص شوند: جامعه محلی، نهادهای عمومی (مانند شهرداری‌ها)، و تسهیل‌گران. طرح‌ها و سیاست‌های مد نظر در خصوص تأمین منابع مالی طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری باید در اشکال و مقیاس‌های گوناگون با مشارکت سازمان بورس، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های ذیربط ارائه شود.

دکتر سید محسن حبیبی^۱



از جمله مسائل و چالش‌های پیش روی اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه بهسازی و عمران شهری می‌توان به ضعف نظام آموزشی در پرورش متخصصان حوزه حفاظت و نوسازی اشاره کرد.

مسئله دیگر بحث حفاظت و توسعه توأمان است. بحث حفاظت و توسعه توأمان اخیراً در مقیاس جهانی نیز مطرح می‌شود. حفاظت نه یک امر پیش‌داورانه با نگاه به گذشته، بلکه به معنای اقدام برای آینده است. موضوع مهمی که یونسکو هم آن را تأیید می‌کند این است که مقصد توسعه، حفاظت است.

اصول سه‌گانه «یاد» در پیشبرد حفاظت و توسعه توأمان عبارت است از: یاد گرفتن، یاد دادن و یاد آوردن.

معضل ما این است که چیزی به مردم یا دانشجویان یاد نمی‌دهیم تا یاد بگیرند و سپس به یاد بیاورند.

۱- استاد تمام دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

وقتی یادآوری نباشد، حفظ هیچ‌یک از مقوله‌های ما اعم از سنت، میراث یا ارزش محقق نمی‌شود. برای مثال، زمانی که وامی را به یک کار اختصاص می‌دهیم، اگر فرد آموخته‌هایی داشته باشد که به یاد بیاورد، حتماً اقدام درستی نیز انجام خواهد داد.

ما یک دانش تاریخی زیستی داریم که از اعماق تاریخ آمده است. این دانش در همه زمان‌ها با دانش فنی زمانه خود ترکیب شده و یک ابداع به وجود آورده است. در واقع، حفاظت به این معنا نیست که دست به چیزی نزنیم. مقوله حفاظت در تمام اعصار تاریخی با دانش تاریخی و فنی زمانه آمیخته شده و سپس ابداع را به وجود آورده است. این مقوله یک وحدت کلی را بیان می‌کند، ولی هریک از اجزا نشان زمانی خود را دارد.

■ حفاظت و باززنده‌سازی میراث تاریخی در دوقطبی ابنیه - بافت

دکتر محمدسعید ایزدی



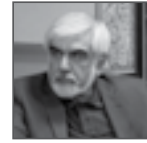
از جمله موارد لازم در زمینه سیاست‌گذاری در حوزه بافت‌های ناکارآمد شهری، ارائه تعریف درست و روشن از مفهوم بافت تاریخی و تدوین اسناد قابل اجرا به منظور تضمین حفاظت از این محدوده‌هاست.

اکنون می‌توانیم بگوییم در موضوع حفاظت و باززنده‌سازی ابنیه تاریخی به جایگاه روشنی رسیده‌ایم. در عرصه مرمت آثار تاریخی به بهره‌برداری مجدد می‌اندیشیم و در حوزه اجرا نیز پیش رفته‌ایم. بنابراین در مقوله مرمت بنا مشکلی نداریم. اما وقتی وارد بحث حفاظت از بافت‌های تاریخی می‌شویم، ابهامات مطرح می‌شود و این سؤال پیش می‌آید که بافت تاریخی چیست.

لازم است به طور روشن‌تری راجع به مفهوم بافت تاریخی و شیوه مواجهه با آن بحث شود و تبدیل به اسناد قابل اجرا گردد. در عرصه آکادمیک، با مراجعه به منابع و اسناد مختلف، به راحتی می‌توان متوجه این مفاهیم شد اما در عرصه عمل، تعریف روشن یا

اتفاق نظری راجع به آن‌ها وجود ندارد.

دکتر مهدی حجت^۱



از جمله دیگر موانع تحقق حفاظت از بافت‌های شهری واجد ارزش می‌توان به عدم اعتقاد به مفهوم بافت در میان مدیران تخصصی اشاره کرد. این عدم اعتقاد به نوعی منجر به نداشتن برنامه شده است. مشکل ما عدم اعتقاد متخصصان است و اتفاقاً با مردم هیچ مشکلی نداریم. مردم زودتر این مفاهیم را درک می‌کنند و اگر کمی آگاهی پیدا کنند، ما را همراهی خواهند کرد. باید برای آموزش مدیران و متخصصان حوزه شهرسازی در ارگان‌های دولتی نیز تلاش کرد.

مهندس سید رضا هاشمی^۲



در حفاظت و باززنده‌سازی بافت‌های تاریخی واجد ارزش، تاکنون با چهار مشکل اساسی روبه‌رو بوده‌ایم:

۱. کاهش بهره‌وری اقتصادی: این بافت‌ها در مقایسه با توسعه‌های جدید فاقد بهره‌وری لازم هستند. ما نیاز به تزریق دائمی منابع یارانه‌ای برای جبران بهره‌وری پایین داریم چرا که هزینه‌هایی که برای وام نوسازی می‌شود مشکلی را حل نمی‌کند.

۲. فقدان اعتقاد عمومی و نظریه پشتیبان: ما نباید مباحث مربوط به کشور خود را با سایر کشورها ارتباط دهیم زیرا شرایط تاریخی، مدیریتی و اقتصادی آنان با ما متفاوت است. توجه به بحث بومی‌سازی دانش از مهم‌ترین موضوعات است.

۳. نبود یک گروه اجتماعی واقعی و پایدار علاقه‌مند به سکونت در این بافت‌ها: مهم‌ترین عامل زوال بافت‌های تاریخی این است که هیچ گروهی علاقه‌مند به سکونت در آن‌ها نیست مگر از روی اضطرار. سکونت در این بافت‌ها علاوه بر تشخیص اجتماعی نیاز به ایجاد ارزش جدید یا

متفاوت دارد. اگر کسی تمام ارزش‌ها را در محل زندگی خود داشته باشد، دیگر به سمت این بافت‌ها نمی‌رود.

۴. وجود دو رویکرد تمدنی و معماری متفاوت و گاه متضاد: ما نمی‌توانیم دو رویکرد تمدنی و معماری داشته باشیم. معماری کشور در دست جوان‌هاست و آن‌ها وقت خود را صرف این کارها نمی‌کنند. این یک حقیقت محض است و همه به آن اذعان دارند.

دکتر پرویز پیران^۳



حفاظت از بافت‌های تاریخی و ارزشمند، ورای اقدامات کالبدی، نیازمند دو رکن است: محرک‌های قوی اقتصادی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی.

در زمینه محرک‌های اقتصادی، افزایش حضور گردشگران خارجی می‌تواند به شکل فزاینده‌ای موجب حفظ ارزش‌های موجود در بافت توسط خود ساکنین شود. در خصوص سرمایه اجتماعی نیز، با توجه به اعتماد پایین مردم به نهادهای دولتی، ابتدا بایستی سرمایه اجتماعی بهبود یابد تا مردم به میدان بیایند. شاید ایجاد نهادهای مردمی (معمدین محلی) بتواند به اصلاح این قضیه کمک کند.

لزوماً نیازی نیست که محرک اقتصادی گردشگر خارجی باشد. ما می‌توانیم برنامه‌هایی در این بافت‌ها ترتیب دهیم تا مردم در آن‌ها جمع شوند. تجمع مردم منجر به ایجاد سرمایه می‌شود. تا زمانی که مسئله محرک‌های اقتصادی و سرمایه‌های اجتماعی حل نشود، این مشکل به قوت خود باقی خواهد ماند.

دکتر محمدسعید ایزدی



علت موفقیت محله جلفای اصفهان دقیقاً تلفیق همین دو عنصر محرک اقتصادی و سرمایه اجتماعی است. نخست، توان اقتصادی منطقه و گسترش پاساژها و

۳- عضو هیئت مدیره علمی آکادمی توسعه در سوئیس، مشاور ارشد بانک جهانی و آژانس‌های ملل متحد

۱- معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران
۲- مشاور معماری و شهرسازی وزیر راه و شهرسازی

دکتر محمدحسن طالبیان^۲



باززننده‌سازی بافت‌های شهری واجد ارزش نیازمند ایجاد یک موج عمومی مشارکت در میان شهروندان و ساکنین است. برای مثال، تعدادی از قلعه‌های معمولی در حال نابود شدن که کسی سراغشان را نمی‌گیرد با هزینه شخصی افرادی بازسازی می‌شوند و به جذب گردشگر می‌پردازند. نگرانی آن‌ها از کمبود فضا هنگام زیاد شدن جمعیت گردشگران است. یا در کاشان شهرداری می‌خواهد خانه‌هایی را که اکنون ارزش میلیاردی دارند به هم وصل کند. بنابراین، هزینه‌های هنگفتی لازم است تا گردشگر بتواند مثلاً از خانه بروجردی‌ها به مسجد آقابزرگ برود. در این مسیر خرابی بسیاری روی داده و آباد کردن آن نیاز به هزینه زیادی دارد. فراگیری این موج به دلیل وجود انگیزه خیلی خوب است، اما بافت‌هایی که این موج در آن‌ها آغاز نشده در حال تخریب‌اند.

اگر زمانی جریان گردشگری خارجی و داخلی به راه بیفتد و تخریب بافت‌ها به همین سرعت ادامه یابد، کشور باید هزینه هنگفتی صرف کند تا مسیرها را برای تسهیل رفت و آمد توریست‌ها سامان بخشد. برای جلوگیری از چنین آسیب‌هایی، دو مرحله اقدامات پیش‌نگرانه و قابل اتخاذ در نهادهای اجرایی را می‌شود در نظر گرفت. در وهله اول جلوگیری از تخریب این بافت‌ها و، در صورت عملی نبودن آن، الزام مجری به ارائه برنامه و طرح مصوب شورای عالی معماری و شهرسازی.

معضل ما بی‌برنامگی و بی‌قانونی است. اگر محلی وضعیت نابسامانی داشته باشد و جمعیت آن تغییر پیدا کرده باشد، در صورت وجود یک طرح خوب و مناسب برای سامان بخشیدن به منطقه، تخریب برخی خانه‌ها مشکلی نخواهد داشت. مهم این است که با این کار یک بافت را حفظ می‌کنیم.

مجموعه‌های تجاری در اطراف محله جلفا باعث سرزندگی آن‌جا شد. دوم، تمایل اجتماعی جوانان به محله آرامنه و حضور در کافی‌شاپ‌ها و غیره موجب رونق منطقه گردید.

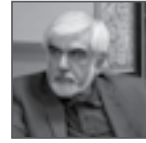
تجربه کاونت گاردن^۱ نیز بیانگر تلفیق دو عنصر اقتصادی و اجتماعی است. تمایل دو بخش اقتصادی و اجتماعی باعث شده است این منطقه به طرز عجیبی رونق پیدا کند. در اولین جریان، تبدیل منطقه به یک فروشگاه صنایع دستی به تدریج منجر به رونق گرفتن آن شد. در حال حاضر تمام برندهای درجه یک انگلیس و دنیا در همین راسته اطراف میدان تا پیکازلیه قرار دارند. همه برندهایی که جاذب جمعیت هستند و فروش فوق‌العاده زیادی دارند در این فروشگاه یافت می‌شوند و این منطقه به لحاظ اقتصادی بسیار سرزنده و فعال شده است. به لحاظ اجتماعی هم بسیار محل مراجعه است و تمام سینماها و مراکز فرهنگی در همین منطقه قرار دارند و مردم با علاقه به این‌جا می‌آیند. لذا برآیند مطلوب سرمایه اجتماعی و سرزندگی اقتصادی را می‌توان به وضوح در آن مشاهده کرد.

فضای مراکز تاریخی شهرها به خودی خود نقطه قوتی برای جذب موفق گردشگر بین‌المللی و جامعه محلی به شمار می‌آید. برای مثال، مشهد تنها شهر ایران است که توانسته از این فضاها بهره خوبی ببرد و متناسب با ظرفیت خود از عراق، کویت، بحرین و حتی داخل کشور گردشگر جذب کند. اتفاقاً مردم بیشتر تمایل دارند که به جای هتل‌های ۵ ستاره مشهد، در فضاهایی مثل حسینیة اصفهانی‌ها یا حسینیة نجف‌آبادی‌ها اقامت کنند. این فضاها صمیمانه‌تر و ارزان‌تر هستند و در داخل بافت قرار دارند. فضای خودمانی و دوستانه حاکم بر این فضاها باعث می‌شود گردشگرهای خارجی (مثلاً از کشورهای عربی) و حتی مردم کشور هم بیشتر متمایل به اقامت در این اماکن باشند.

۲- معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

1- Covent Garden

دکتر مهدی حجت



شد. اما بعد از انقلاب مطلقاً چیزی به نام شهرگرایی نداریم. بنده بحثی را با عنوان «شهرنشینی شتابان و ناهمگون بدون شهرگرایی» مطرح کردم. از دهه ۵۰، با رفتن پول نفت، مفاهیم شهرنشینی، شهروند، شهرگرایی و فرهنگ شهری به کلی مسکوت ماند. بعد از انقلاب و با جابه‌جایی جمعیتی، این واقعیت ضد شهری تشدید شد. با وجود آن که همه علاقه‌مند به زندگی در شهر بودند، بحث کلان‌شهر کثیف ناجور و ضد کلان‌شهری هم شکل گرفت. این عوامل به علاوه روحیه انقلابی یک‌شبه باعث شد تا بیشتر به این مشکل دامن زده شود.

مسئله این‌جاست که رسانه‌های جمعی و نهادهای فرهنگی ما به کلی با این موضوع بیگانه هستند و هیچ نوع آموزشی در این زمینه ندیده‌اند. باید برای شهرگرایی فکری بکنیم. تا زمانی که شهرگرایی شکل نگیرد، نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. در واقع، مفهوم شهرگرایی کاملاً در ایران مغفول مانده است. یکی از بهترین راه‌های کمک به بهبود این شرایط استفاده از رسانه‌های جمعی است.

دکتر محمدسعید ایزدی



لازم است از طریق آموزش‌های جمعی، حساسیت عمومی نسبت به حفاظت از بافت‌های واجد ارزش برانگیخته شود. همان‌طور که می‌دانید، اروپاییان هم تجارب عجیب و غریبی در مورد تخریب بافت‌های خود در دوره‌های مختلف داشته‌اند. در فرانسه، انگلیس و کشورهای مدعی دیگر چنین اتفاقاتی رخ داده است. تمایل آن‌ها به حفظ این ساختمان‌ها به تدریج و با اعتراضاتی که صورت گرفت افزایش یافت. مثلاً در لندن بازار میوه و تره‌باری بود که دولت تصمیم گرفت آن را به یک مجتمع تجاری بسیار لوکس تبدیل کند. این اقدام با اعتراض مردم مواجه شد و دولت به همین دلیل در آن تجدید نظر کرد.

در ایران اما در حال حاضر شاهد چنین حساسیتی، به‌خصوص در میان بسیاری از مسئولان، نیستیم. در

از دیگر اقدامات قابل انجام به منظور تشویق حفاظت از بافت، ارائه تسهیلات و مشوق‌های دولتی است. در تمام دنیا بحث اقتصاد مهم است و دولت باید غیرمستقیم مشوق‌هایی برای امور این‌چنینی در نظر بگیرد.

■ ارکان ضروری بازآفرینی پایدار شهری: آموزش جمعی، تدوین قوانین و اسناد راهنما و ایجاد خاطره نهادی

مهندس سید رضا هاشمی



شروع هر اقدامی در جهت حفاظت از بافت‌های واجد ارزش شهری، بایستی مبتنی بر پذیرش شرایط واقعی محیط اجتماعی که در آن قرار داریم صورت پذیرد. ما در یک دوره گذار به سر می‌بریم که فردگرایی ویژگی بارز آن است. در واقع، نسل حاضر به طور کامل تبدیل به جامعه شهرنشین نشده است. لذا باید برای آن چیزی که واقعیت دارد برنامه‌ریزی کنیم، نه برای آنچه دوست داریم. در حالی که امروز شاهد این واقعیتی نیستیم و حقوق شهروندی را رعایت نمی‌کنیم. دستور نقشه و عوارض و یک طبقه اضافی و غیره در همه جا رواج دارد. بالای سر مسئولین نوشته شده که جز مالک و نماینده قانونی او کسی حق مراجعه به این‌جا را ندارد. آن‌ها با همسایه و شهروند کاری ندارند. برایشان فقط این موضوع مهم است که کسی بخواهد در شهر ساختمان بسازد و پول خرج کند. در شهرداری به غیر از این کاری انجام نمی‌شود. این امور کاملاً واقعیت دارند و به اشتباه رخ نداده‌اند. این معضل حداقل تا ۲۰ سال دیگر هم ادامه خواهد داشت. ما باید کاری را که امکان‌پذیر است انجام دهیم.

دکتر پرویز پیران



پیش از دهه ۵۰ به تدریج در شهرهای کشور یک جریان شهرگرایی شروع

ایران چهار شهر دارای مدرسه آلیانس (مدرسه اتحاد) بودند. هفته پیش تنها دالانی را که به این مدرسه می‌رسید تخریب کردند. این ساختمان به لحاظ خاطره‌هایی که باقی گذاشته بود یکی از بی‌نظیرترین بناها محسوب می‌شد. این بی‌اعتنایی بیشتر در عرصه مدیریت شهری مشاهده می‌شود. چه اقدامی برای کند کردن یا توقف این روند می‌شود انجام داد؟ در واقع، عوض کردن جهت آن سخت و پیچیده به نظر می‌رسد. در کنار این کار باید برنامه‌ریزی هم بکنیم. لازم است از پول دولت هم در این راه استفاده کنیم. باید از اقدامات متمرکزی که می‌توانیم انجام دهیم نیز بهره ببریم.

دکتر محمدحسن طالبیان



راه‌حلی که در شهرهای اروپایی برای جلوگیری از چنین آسیب‌های با منشأ اقدامات مدیریت شهری اندیشیده شده مبتنی بر دو مرحله‌ای ساختن فرایند تصویب اقدامات اجرایی شهرداری‌هاست. برای مثال، در شهر رم، وقتی از نحوه تغییر و نوسازی بافت‌ها پرسیدیم، توضیح دادند که ابتدا نقشه‌ها را به گروه میراث فرهنگی می‌فرستند تا به تصویب آنان برسد. این گروه متشکل از کارشناسان سخت‌گیر میراث فرهنگی است که حاضر نیستند لحظه‌ای کارکنان شهرداری را ببینند؛ و تا در شهرداری کمی طرح‌ها را عوض می‌کنند که وضعیت شهر بهتر شود، این گروه آنان را به دادگاه می‌فرستند. لذا شهرداری حداکثر تلاش خود را می‌کند تا هرگز مجبور نشود با این گروه روبه‌رو شود. هر جا که وظایف شهرداری تداخلی با این گروه ندارد، کار خود را انجام می‌دهد و در نتیجه وضعیت شهر نیز بهتر می‌شود. آن‌جا در حالی که شهرداری اعتقادی به موضوع ندارد، مجبور به اطاعت از این قانون است.

در کشور ما قانون‌گذاران هم اعتقادی به رعایت قانون ندارند. اگر کارها به طور قانونی انجام بگیرند و طرح‌ها به درستی اجرا شوند، این اتفاقات به وقوع نخواهد پیوست. این سر و سامان داشتن و انضباط

شهرها مربوط به قانون آنهاست. آنان قوانین را اجرا می‌کنند اما در کشور ما قانون‌ها اجرا نمی‌شوند.

دکتر محمدسعید ایزدی



در این‌جا لازم می‌دانم به لحاظ سند و قانون به نکته‌ای اشاره کنم. در انگلستان، در یک برهه و با وجود همین اختلافات، تصمیم گرفتند کار مشترکی انجام دهند. در شورای شهر بیرمنگام سندی امضا شد که به آن عنوان «نوسازی از طریق حفاظت» را اطلاق کردند. محله‌ای هم که در آن کار کردند محله معروف جواهرفروشان بیرمنگام بود. این آغاز جریانی شد که دولت انگلیس را وسوسه کرد تا دو سند با مشارکت میراث فرهنگی و وزارت مسکن تهیه کند. نام اولین سند «Power of Place» و تمام بندهای آن روشن و شفاف بود. بحث تشکیل بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری، استفاده اقتصادی از بناهای تاریخی، توجه به حفاظت به عنوان ایجادکننده اشتغال، مشارکت‌ها، و توجه به توریسم به طور دقیق و شفاف در این سند توضیح داده شده بود. یک سال بعد این سند به یک سند اجرایی تبدیل شد. این بدان معنا بود که وظیفه تمام بخش‌ها مثل دولت مرکزی، دولت محلی و غیره در این سند مشخص شده بود. این سند در حال حاضر لازم‌الاجراست و دولت زمینه‌هایی از توافق را در خصوص آنچه باید اتفاق بیفتد در آن محیط فراهم ساخته است.

لازم است آسیب‌شناسی تجربیات برخورد با بافت‌های فرسوده شهری نیز مد نظر قرار گیرد. اتفاقی که در انگلستان افتاد این بود که پیش‌بینی نکرده بودند چگونه بخش خصوصی را در بافت کنترل کنند. لذا تنها چیزی که از ساختمان مشاهده می‌شود پوسته‌های جداره آن است که تنها یک لایه ۳۰ سانتی‌متری است و هر چیزی که در پشت این پوسته ساخته شده کاملاً نوسازی شده است. در برخی جاها وضعیت از این هم اسفناک‌تر است. این گرایش در غرب به راه افتاده که پوسته تاریخی را نگه می‌دارند و در پشت آن به نوسازی می‌پردازند. چنین وضعیتی را در مادرید هم

دیدم. لذا کاری که ما انجام می‌دهیم باید با صبر و تحمل و بدون شتابزدگی باشد. در غرب نیز بعدها در قوانین تجدید نظر شد. دولت دیگر نمی‌توانست متکی به بخش خصوصی باشد. بخش خصوصی بیشتر به دنبال منافع خود بود و فقط پوستهٔ ساختمان را حفظ می‌کرد. در نتیجه به این جمع‌بندی رسیدند که دولت باید در این امر حضور داشته باشد تا بتواند موازنه ایجاد کند و به کنترل بخش خصوصی بپردازد. لذا مرتباً در حال به‌روز کردن اسناد خود هستند. این در حالی است که اسناد ما هیچ پیشرفتی نکرده‌اند. اولین قانون حفاظت ما به سال ۱۳۰۹ برمی‌گردد که دولتمردان در پی لغو آن هستند. حال این موضوع مطرح است که ما به عنوان بخشی از دولت با کمک شورای عالی شهرسازی و سازمان میراث فرهنگی چه باید بکنیم. ما می‌توانیم چند کار انجام دهیم. یکی آن است که تمام تمرکز خود را به بخش آموزش معطوف کنیم و به تولید اسنادی بپردازیم که با کمک رسانهٔ عمومی بتواند به بحث آموزش کمک کند. می‌توانیم به دنبال این باشیم که کودکان از همان ابتدا با مفاهیم حوزهٔ نوسازی در کتاب‌های درسی آشنا شوند. هم‌زمان با این اقدامات می‌توان اسنادی الزام‌آور از طریق شورای شهرسازی تهیه کرد. می‌توانیم پروژه‌هایی را به صورت پایلوت شروع کنیم.

در واقع، به طور هم‌زمان، هم کار فرهنگ‌سازی را انجام دهیم و هم پایلوت‌ها را به پیش ببریم و هم در قوانین تجدید نظر کنیم. به نظر می‌رسد با انجام این سه کار بتوانیم به یک جمع‌بندی مناسب برسیم.

دکتر پرویز پیران



یکی از مسائلی که در کشور با آن مواجه هستیم فقدان خاطرهٔ نهادی^۱ است. در کشور ما، هر وقت فرد مهمی از دنیا می‌رود، می‌گویند بخشی از تاریخ ایران زیر خاک رفت. این تعبیر صحیحی نیست. در شهرهای اروپایی مثل لندن، کوچک‌ترین اتفاقی که در یک ساختمان رخ داده باشد از اهمیت خاصی برخوردار است. مثلاً در مورد فردی که کار کوچکی در زمینهٔ شیمی انجام داده، گفته می‌شود که در سال ۱۸۲۵ سه ماه در فلان اتاق یا خانه مانده است. این خاطرهٔ نهادی بخشی از شهر و تاریخ را حفظ می‌کند، اما ما با آن بیگانه هستیم. خاطرهٔ نهادی، محرک اقتصادی، آموزش شهروندی و شهرگرایی در ایران مغفول مانده‌اند. میراث فرهنگی با تمام توان خود سعی در حفظ بناهای تاریخی دارد ولی هیچ امکانات و ابزاری در اختیارش نیست. لذا بایستی برای این حوزه هم راهکاری اندیشید.